

نقش خان‌نشین کریمه در رقابت‌های بین عثمانی با صفویان بر سر منطقه قفقاز، با تکیه بر اسناد آرشیو عثمانی

میرصمد موسوی*، سیمین ستایش**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱۴ (صفحه: ۱۲۱-۱۴۲)

چکیده: رویکرد سلاطین عثمانی در زمینه معادلات سیاسی و نظامی با صفویان همواره خصمانه و مبتنی بر لشکرکشی‌های نظامی به خصوص در منطقه قفقاز بوده است. دربار عثمانی، به منظور ایجاد پایگاه مناسب در این سرزمین، در کنار لشکرکشی‌های نظامی سعی داشت تا از نیروی جنگاور اقوام منطقه به نفع خویش بهره‌برداری کند. یکی از این نیروها خان‌نشین کریمه (حکومت: ۱۴۷۸-۱۷۸۳م) بود، که به دلیل همسویی با سیاست‌ها و منافع امپراتوری عثمانی، در تحولات منطقه قفقاز عصر صفوی نقش بسیار مهمی داشتند. موضوع اصلی این جستار، بررسی علت گرایش خانان کریمه به همبستگی با عثمانی است که براساس مطالعه و تحلیل محتوایی اسناد و فرامین آرشیو عثمانی و ارائه نمونه‌هایی از آن صورت گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش بر مبنای روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مطالعات اسنادی سامان‌دهی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گردانندگان دربار عثمانی از سیاست‌های انگیزشی قدرتمندی، چون حکم جهاد، تطمیع مادی،

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول) (m.samad59@gmail.com)

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، مدرس گروه تاریخ دانشگاه پیام‌نور (siminsetayesh@gmail.com)

بهره‌جویی از مسائل داخلی خانات و گاه تهدید در ایجاد این همگرایی استفاده کرده‌اند، سیاست‌هایی که صفویان از اجرای آن، ناتوان بودند.

کلیدواژه‌ها: خان‌نشن کریمه، قفقاز، عثمانی، صفویان، اسناد آرشیو عثمانی.

۱ مقدمه

عمده‌ترین نمودهای نارضایتی عثمانیان از برآمدن صفویان شیعی مذهب را می‌توان در لشکرکشی‌های نظامی و استفاده از نیروهای منطقه‌ای چون خانات کریمه^۱ علیه این حکومت مشاهده کرد. این خان‌های کریمه، با پیوند خود به سیاست‌ها و منافع امپراتوری عثمانی، در معادلات قدرت میان باب‌عالی و صفویان به قوای حافظ و مجری برنامه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی این امپراتوری در قفقاز و به‌خصوص منطقه شیروان تبدیل شدند. تحلیل چرایی همسویی خانات کریمه با عثمانی‌ها در برابر ایران و نتایج این همکاری، از منظر اسناد و دفاتر عثمانی، اهمیت بسزایی دارد. این اسناد، که در قالب «دفاتر مهمه»^۲ شناخته شده‌اند، بیشتر حاوی احکام و فرامین سلطنتی عثمانی‌اند؛ و مطالعه و بررسی بخش‌هایی از آنها که درباره ایران است نه تنها می‌تواند گوشه‌هایی از تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را نمایان کند، بلکه می‌تواند در تبیین منطقی از روابط ایران و عثمانی بسیار مفید باشد. با این حال، به دلیل مسلط نبودن محققان ایرانی به «زبان ترکی عثمانی و ترکی استانبولی»، کمتر به آن توجه و یا از آن استفاده شده است. هدف مقاله حاضر معرفی و تحلیل محتوایی بخش‌هایی از دفاتر مهمه عثمانی، یعنی احکام و فرامین و نامه‌هایی است که میان سلاطین عثمانی با خان‌های کریمه، در این موضوع، رد و بدل شده است. از این منظر، این اسناد به سبب بیان سیاست‌های باب‌عالی در ایجاد این هم‌پیمانی و نقش کریمه در معادلات قدرت بین صفویان و عثمانی‌ها، جایگاه بسیار مهمی را در پژوهش‌های تاریخی ایران دارند.

بی‌گمان، از طریق مطالعه و تحلیل اطلاعات موجود در این دفاتر، به آگاهی‌های جزئی‌تر و مفیدتری می‌توان دست یافت که در منابع فارسی و ترکی کمتر وجود دارند. نتایج پژوهش

و مطالعه این اسناد نشان می‌دهد که عثمانی‌ها، به منظور پیشبرد اهداف توسعه‌طلبانه ارضی، اقتصادی و سیاسی خود، سعی در استفاده از قدرت نیروی‌های مرکزگرای منطقه قفقاز و کسب هم‌پیمانان منطقه‌ای چون خان‌نشین کریمه داشته‌اند و، از طریق صدور حکم جهاد و تطمیع مادی و بهره‌جویی از مسائل داخلی خان‌نشین کریمه و گاهی با به‌کارگیری سیاست تهدید خان‌های کریمه، توانستند، با استفاده از نیروی جنگاوری خانان، قدرت و نفوذ قابل توجهی در قفقاز عصر صفوی کسب کنند و در ادوار بعد آن را پررنگ‌تر کنند.

۲ پیشینه تحقیق

در زمینه نقش خانان کریمه در معادلات قدرت بین عثمانی و صفویان، تحقیقات چندی صورت گرفته که از آن جمله مقاله «خانان کریمه؛ هم‌پیمانان عثمانی در تصرف قفقاز (۹۹۵-۹۸۶ق)»، به قلم حسین زرینی است که این تحقیق مستقیماً به معرفی دفاتر مهمه و اسناد بایگانی شده در آرشیو عثمانی و تحلیل محتوای آنها پرداخته است. همچنین در زمینه معرفی دفاتر مهمه و استفاده از اسناد موجود در بایگانی‌های نخست‌وزیری عثمانی تحقیقات چندی صورت گرفته است، از جمله مقاله «دفاتر مهمه عثمانی و اهمیت آنها در شناخت تاریخ ایران» از حجت فخری، مقاله «مناسبات خانان آذربایجان با دولت عثمانی در اواخر دوره زندیه» از محمدرضا نصیری، «اسناد سلطانی (اسناد آرشیو عثمانی درباره ایران)» از سید علی موجانی و دیگران، مقاله «دفاتر مهمه عثمانی در آرشیو عثمانی نخست‌وزیری جمهوری ترکیه» از توفان گوندوز، مقاله «ضرورت‌ها و راهکارهای ترجمه متون تاریخی عثمانی به فارسی» از رضا دهقانی، مقاله «اسناد بایگانی‌های ترکیه درباره ایران» از میرصمد موسوی و فرهاد دشتکی‌نیا و... که در آنها به معرفی اسناد آرشیو عثمانی و دفاتر مهمه پرداخته شده است.

۳ طرح مسئله

بر اساس مطالعات و شواهد تاریخی، قدرت‌های رقیب ایران در قفقاز همواره سعی داشتند تا با بازنمایی تاریخ قفقاز به نفع خویش، روابط فرهنگی و سیاسی عمیق آن با ایران، یعنی تنها عنصری که حافظ دوام پیوندهای قفقاز با ایران حتی پس از جدایی آن بود را از بین ببرند و

به جعل واقعیت‌های تاریخی پردازند. بنابراین نیاز هست که در پرتو شناخت اسناد و مدارک به خصوص اسناد بازمانده از آرشیو عثمانی و آثار نویسندگان و مورخان ادوار بعدی به دیدی درست و به دور از غرض‌ورزی‌ها در مورد تاریخ قفقاز پردازیم. بر همین اساس مقاله حاضر علت گرایش خانات کریمه به همبستگی با عثمانی را به عنوان سؤال اصلی مطالعه کرده است. همچنین سعی بر این دارد تا با معرفی و تحلیل محتوایی اسناد و فرامین آرشیو عثمانی و ارائه نمونه‌هایی از آن، ضمن پاسخگویی علمی به این سؤال، به پرسش فرعی «حربه‌های عثمانی در همراه نمودن خوانین کریمه با خود چه بود؟» پاسخ مناسب دهد. زمانی این کار تحقیقی به هدف خود نزدیک می‌شود که منابع و اسناد بازمانده از آرشیو عثمانی بررسی شود. بی‌شک این منابع می‌تواند راه‌گشای مناسبی برای بیان روشن و واضح علت گرایشات خانات کریمه به عثمانی باشد.

۴ معرفی دفاتر مهمه

دفاتر مهمه، مجموعه دفاتری است که نامه‌های بسیار مهم دیوان همایون و باب عالی در آن ثبت شده و مشتمل است بر جغرافیای بسیار وسیعی از سرزمین‌های میانی اروپا تا ایران و شبه جزیره کریمه تا شمال آفریقا و عربستان (فخری: ۱۸۶). فهرست‌بندی این اسناد برای نخستین بار طی قرن نوزدهم میلادی و با تأسیس بایگانی جدید امپراتوری آغاز شد (Çetin: 96-126). بخشی از این اسناد شامل احکام و فرامین دوره سلطان عبدالحمید دوم (۱۸۷۶-۱۹۰۹م) است که پیش از آن در کاخ یلدز^۱ نگهداری می‌شد و اکنون با عنوان «بایگانی یلدز»^۲ در بخش بایگانی نخست‌وزیری عثمانی محافظت می‌شوند. در بایگانی نخست‌وزیری، روی هم‌رفته، ۲۶۶ دفتر مهمه مربوط به سال‌های (۱۵۵۳-۱۹۰۵م) وجود دارد (7: Başbakanlık Osmanlı Arşiv Rehberi)، و از ۲۶ هزار «دفتر دوایر مالی»^۳ که در سال (۱۹۴۵م) از وزارت دارایی به بایگانی نخست‌وزیری منتقل گردید، ۲۵ جلد فهرست‌بندی شده است. شایان ذکر است که بخشی از این اسناد تاریخی، طی حملات

1. Yıldız saray

2. Yıldız arşivi

3. Maliyeden müdevver defterler

تیمور لنگ به بورسا و پایتخت امپراتوری عثمانی، پس از نبرد آنقره در ۱۴۰۲م نابود شدند (Aktaş & Halacoğlu: 26-122).

در میان این اسناد ارزشمند، دفاتر «نامه همایون» که حاوی رونوشتی از بعضی نامه‌های بسیار مهم رد و بدل شده بین سلاطین عثمانی و شاهان ایران است به همراه سایر اسناد و دفاتر مربوط به ایران به چشم می‌خورد (Kiliç: 235-237). پژوهشگران می‌توانند جهت گردآوری اطلاعات درباره روابط سیاسی، دینی و نظامی بین صفویان و امپراتوری عثمانی طی قرن شانزدهم میلادی و قرون بعدی به آنها رجوع کنند (Özgüdenli: 83-107; Takamatsu: 48-125; Şuayib: 201-400).^۱ این دفاتر در خصوص علل جنگ‌های عثمانی بر علیه ایران اطلاعاتی را ارائه می‌دهد که در سایر منابع تاریخی یافت نمی‌شود؛ در واقع بخش عمده داده‌های این دفاتر درباره ساختار نهادهای اداری، کارکرد و روابط نهادها با یکدیگر، رویدادهای سیاسی و نظامی، کشمکش‌های مرزی، مسائل تجاری، اعزام سفراء، ارسال هدایا، تقاضای پناهندگی و فعالیت‌های جاسوسان است. بعضی از این دفاتر که برای تاریخ روابط ایران و عثمانی در دوره صفویه اهمیت فراوانی دارد موضوع چندین رساله دکتری بوده است (موسوی و دشتکی‌نیا: ۳۲۸). در مقاله حاضر از بین دفاتر مهمه، دفاتر مربوط به بخش «روابط بین خانات کریمه با عثمانی» و اسناد مربوط به «مناسبات بین عثمانی با خان‌های منطقه قفقاز چون قراباغ، شوشا، نخجوان، باکو، گنجه، شکی، شروان، ایروان، قوبه و خوی» استفاده شده که هم‌اکنون مجموع اسناد این بخش از دفاتر مهمه از سوی نویسندگان مقاله حاضر در دست ترجمه و چاپ است.

۵ خان‌نشین کریمه و امپراتوری عثمانی

خانات کریمه، که در اسناد و فرامین عثمانی همواره از آنان به عنوان خانات چنگیزی یاد

۱. برای اطلاعات بیشتر ←

Bekir Kütüköğlü, "Osmanlı-Iran Siyasi Münasebetleri (1578-1612)", İstanbul 1993; M. Fahrettin Kiriziöğlü, "Osmanlılar'ın Kafkas-Elleri'ni Fethi (1451-1590)", Ankara 1998; İsmail Hakkı Uzunçarşılı, İbrahim Kemal Baybura, and Ülku Altındağ, "Topkapı Sarayı Müzesi Osmanlı Saray Arşivi Kataloğu, Fermanlar", I. Fasikül, nos. E. 1-12476, ed. Ülku Altındağ, Ankara 1985; Serdar Kar, 63 Nümaralı Muhimme Defteri (995-996/1587-1588), Özet ve Transkripsiyon, Yüksek Lisans Tezi, Marmara Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü, İstanbul 2002.

می‌شد (Başbakanlık Devlet Arşivleri: A.DVNS. MHM. d, 61/12/41: s.31) در شمال دریای سیاه و جنوب اوکراین کنونی حکومت می‌کردند، ابتدا بخشی از اردوی زرین یا آلتین اردو بودند که در سال (۱۴۴۱م) از پیکره آن جدا شدند. اعقاب جوجی، پسر بزرگ چنگیز، در تقسیم تصرفات چنگیزی، نواحی‌ای چون روسیه جنوبی، دشت قفقاز و قفقاز را به دست آوردند (Çakmak: 614) و با نام اردوی زرین یا آلتین اردو در نواحی مذکور حکومت تشکیل دادند. خوانین مغولی این اردو، در اوج قدرت، تا مسکو پیش رفتند و تمامیت ارزی کشورهای اروپایی و حاکمیت‌های ایلیخانان و تیموریان در ایران را از طریق تصرف قفقاز شمالی تهدید کردند (بیانی: ۲۶۹؛ شانینوف: ۳۴). سرانجام، با قدرت‌گیری روس‌ها اردوی زرین تضعیف و به دست ایوان چهارم (۱۵۳۰-۱۵۸۴م)، منحل شد، ولی خان‌نشین کریمه، که قبل از فروپاشی اردو توانسته بود با ضرب سکه به نام خوانین خود، در سال ۱۳۹۵م، (İnalçıkı: 746-756) خودمختاری‌اش را در برابر اردو حفظ کند، به حیات خود ادامه داد. در تاریخ خانان کریمه، حاجی‌گیرای خان، مؤسس خانان کریمه (وفات: ۸۷۱ق)، در مقام یکی از قدرتمندترین خوانین آن شناخته می‌شود، به طوری که پژوهشگران وی را مؤسس خان‌نشین کریمه می‌دانند. او، با ضرب سکه به نام خود و انتخاب شهر باغچه‌سرای به عنوان پایتخت خانان، نقش اساسی در خودمختاری و سپس استقلال کریمه داشت و توانست حاکمیت بر این منطقه را به مدت ۳۵۰ سال در خاندان‌گیری تثبیت نماید (Öztürk: 486).

این استقلال برای خان‌های کریمه دوام چندانی نداشت، چرا که در سال ۸۸۰ق/۱۴۷۵م، با فتوحات سلطان محمد فاتح، خان‌نشین کریمه، طی دو قرن، به عنوان متصرفات امپراتوری عثمانی محسوب گردید (Hülağü: 4). در این دوران، کریمه به قدرت اصلی منطقه قفقاز شمالی تبدیل شد و به عنوان دیوار حائل بین عثمانی با روسیه مورد توجه سیاستمداران باب عالی قرار گرفت (زرینی: ۱۰۷) در واقع، حاکمیت این خان‌ها در منطقه استراتژیک کریمه، که از یک طرف مشرف به قفقاز جنوبی یعنی مرزهای حکومت صفویان بود و از طرف دیگر اداره‌کننده اصلی قفقاز شمالی و سد بین روسیه با عثمانی محسوب می‌شد، اهمیت این متحد ارزشمند را برای سیاستمداران عثمانی بسیار بالا برده بود. به طوری که باب عالی از نیروی

جنگاوری آنها به عنوان اجراکننده اهداف نظامی و سیاسی خود در جبهه ایران، روسیه و اروپا استفاده شایان توجهی کرد (اوزون چارشلی: ۴۵۴-۴۵۵).

از سوی دیگر، یکی از مسایل قابل تأمل در تاریخ خانان کریمه ماهیت رفتارهای سیاسی خوانین مسلمان آن است؛ امری که آنها را به سمت اتحاد با نیروی قدرتمندی چون عثمانی سوق می‌داد. تنها دغدغه شناخته‌شده و قابل درک خوانین مسلمان کریمه حفظ حکومت در حوزه‌های محدود و محلی خان‌نشینی به هر طریق ممکن بود. به همین علت هم نوعی رقابت فراگیر در بین این خوانین در زمینه گرایش به عثمانی جهت کسب حمایت آنها در رقابت‌های خاندانی و منطقه‌ای و کسب منافع اقتصادی - سیاسی صورت گرفت. البته با توجه به کارشکنی‌های وقت و بی‌وقت خان‌های کریمه در برابر عثمانی‌ها - که چندین سند مهم در این زمینه موجود است (Başbakanlık Devlet Arşivleri: C. hr, 6558, n89; C. hr, 1755, n33:؛ İnalcık 2: 1-16 & 127; s271) - می‌توان گفت که خانان کریمه به صورت کامل تابع عثمانی نبوده و بین آنها رابطه متقابل جهت کسب منافع شخصی حاکم بود، به طوری که عثمانی‌ها، برای حفظ همسویی خان‌نشین کریمه و سایر قدرت‌های محلی قفقاز، دست به سیاست‌های چندی زدند که از خلال اسناد به یادگارمانده از امپراتوری عثمانی قابل درک است؛ امری که ایران عصر صفوی و ادوار بعدی در روابط خود با قدرت‌های محلی منطقه کمتر به آن توجه کرد و سبب گرایش این نیروها به سمت عثمانی و سایر رقبای ایران چون روسیه گردید. سرانجام خان‌نشین کریمه، پس از سقوط صفویان و پس از پیروزی روسیه بر عثمانی‌ها در جنگ‌های کریمه (Öztürk: 486; Güneş Yağcı: 554)، برای همیشه از دست عثمانی خارج شده و به خاک امپراتوری تزار روسیه ملحق گردید.

۶ سیاست‌های انگیزشی عثمانی و همسویی خانان کریمه با آنها

دولت عثمانی، از همان زمانی که به توسعه قلمرو کوچک خود و استیلای سرزمین‌های مجاور

۱. برای اطلاعات بیشتر از تاریخ خانان کریمه -

Hasan Abdullah öglü: *Ceneviz Membarına göre XV Asır Kırım Hanlığı*, I, Azərbaycan Yurt Bilgisi, İstanbul 1932; Akdeş Nimet Kürat, "IV. XVIII. Yüzyıllarda Karadeniz'in Kuzeyindeki Türk Kavimleri ve Devletleri", 2. Baskı, Ankara 1992; Tayfün Atmaca, "Sömürülen Topraklarda Sürgünler ve Soykırımlar", Ankara 2009.

و دور دست پرداخت، تصرف و الحاق نواحی مختلف قفقاز را در راستای کار خود قرار داد. عثمانی‌ها، در قبال این فزونی خواهی، ناچار به درگیری با قدرت‌هایی چون ایران بودند که بی‌گمان برای حفظ موقعیت خود در منطقه و تمامیت ارضی کشور دست به مقاومت می‌زد. بنابراین، عثمانی، به منظور قدرت‌بخشی به موقعیت خود در این ناحیه و مقابله با قدرت سیاسی و نظامی ایران، نیازمند داشتن بازویی قدرتمند از داخل خود منطقه بود، و این امر محقق نمی‌شد مگر با جلب قلوب مردمان نواحی سنی‌نشین قفقاز چون شروان و داغستان و خان‌نشین کریمه که، به دلیل پیروی از مذهب تسنن، از بدو پیدایش قدرت شیعه صفوی در این سامان، با دولت صفوی همواره در ستیز بودند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که دولت عثمانی با چه حربه‌هایی توانست ملل سنی‌نشین منطقه، چون خوانین کریمه، را با خود همراه سازد؟ از روی مطالعه دفاتر مهمه مربوط به این حوزه می‌توان سیاست‌های عثمانی و به عبارتی دیگر علل گرایش خانات کریمه به باب‌عالی را به چند قسم، تقسیم کرد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۶-۱- صدور حکم غزا و جهاد

به استناد اسناد آرشیوی دولت عثمانی، اتحاد میان خانات کریمه و امپراتوری عثمانی علیه حاکمیت صفوی در عصر سلطان مراد سوم (۱۵۷۴-۱۵۹۵م)، هم‌زمان با حاکمیت محمد خدابنده صفوی (۹۸۵-۹۹۶ق) بوده است. بر طبق این اسناد، سلطان عثمانی، با هدف تسلط بر قفقاز و زیر پا گذاشتن مفاد صلح آماسیه، مبادرت به فتح شروان نمود (وحید قزوینی: ۸۵) و همین امر سرآغاز حضور خانات کریمه در رقابت‌های ایران و عثمانی بر سر قفقاز بود، که یکی از ادوار مهم تاریخ این منطقه به شمار می‌آید. نخستین سند به‌دست آمده از آرشیو عثمانی نامه سلطان مراد سوم به شمخال خان، حاکم قموت‌های^۱ داغستان است. این نامه، که در تاریخ ۲۲ رمضان ۹۸۶ق نوشته شد، از مأموریت عادل‌گیرای خان، برادر خان کریمه یعنی محمدگیرای خان، و پسرش مرادگیرای خان خبر می‌دهد. به گزارش این سند، قموت‌ها، از

۱. قموت‌ها قومی ترک تبار هستند و در دشت‌های قموق داغستان روسیه زندگی می‌کنند (برجیان: ۲۲۵)

سوی سلطان عثمانی، مأموریت داشتند که با «نیروهای تاتار»^۱ (خانات کریمه) و مصطفی پاشا فرمانده سپاه عثمانی، به منظور فتح شروان، همکاری نمایند. از روی این سند می‌توان فهمید که در میان خان‌های تاتار، محمدگیری خان، حاکم این خان‌نشین، اولین مجری سیاست‌های عثمانی در قفقاز بوده است. همان‌طور که سلطان عثمانی در نامه خود بیان می‌کند، نیروهای تاتار مأموریت داشتند، از راه دشت خزر، به ولایت شروان حمله کنند. در منابع فارسی عصر صفوی نیز حضور نیروهای کریمه در حملات عثمانی بسیار پررنگ نشان داده شده است. حتی بعضی منابع فارسی اشاره‌ای به نقش عثمانی در حملات کریمه به شروان نداشته‌اند و به صراحت کریمه را عامل این حملات دانسته‌اند. برای مثال، میرزا بیگ جُنابدی در کتاب *روضه‌الصفویه* می‌نویسد:

فرمانفرمای ایل تاتار غازی‌گرای از اویماقات و طوایف حشمی که در زیر فرمانش بودند قریب به چهل هزار سوار جمع آورده، از طریق باب‌الابواب و دربند، داخل مملکت شیروان گردید ... جنود تاتار داخل مملکت شیروان گشته [به] نهب و تاراج و ازاله حیات و اسقاط اعراض عجزه و مساکین آن دیار دست گشوده اموال و جهات بی حساب،... در حیظه تصرف درآورده و... اراده نمودند که از آب کر عبور نموده به دستور شیروان اموال آران و مغان و قرباغ و سایر ولایت... به نهب و تاراج برده به تخریب آن ولایات رأیت اقتدار برافرازند (جُنابدی: ۵۹۹-۶۰۰؛ نیز ← وحید قزوینی: ۸۵-۸۷).

نکته مهم در این نامه آن است که سلطان عثمانی حمله به شروان را غزا و جهاد در راه خدا، و هدف از فتح این منطقه مهم را نبرد با ملاحظه یعنی قزلباش‌های صفوی عنوان می‌کند. (Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, bölüm 1: BOA. Mühimme Defteri, nr.32, hk. 456, s. 60) در این باره می‌نویسد: «با روی کار آمدن حکومت صفویه در ایران در کنار انگیزه‌های توسعه‌طلبانه سیاسی، اختلافات مذهبی بین شیعیان و اهل سنت به دستاویز عمده‌ای برای جنگ‌های طولانی مدت عثمانیان با صفویه تبدیل شد» (زرینی: ۱۰۸). در واقع در کنار انگیزه پررنگی چون کسب غنائم و ثروت، انگیزه‌های مذهبی در رقابت‌های عثمانی با صفویه نقش پررنگی دارد و اسناد عثمانی، در

۱. در دفاتر مهمه، خانات کریمه با عنوان «نیروهای تاتار» یا «خانات چنگیزی» مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

واکاوی این مسئله، منبع مهمی به شمار می‌آیند. در این سند و یا سایر اسناد که در صفحات بعد بدان اشاره خواهد شد، مدام سلاطین عثمانی بر ملحد و کافر بودن قزلباشیه تأکید دارند و از اینکه ایران به دست ملحدان شیعه افتاده است اظهار تأسف می‌کنند (Başbakanlık Devlet Arşivleri: ADNS. MHM. d, 151/26/65: s. 31). این امر نشان می‌دهد که دربار عثمانی در پی تحریک احساسات مذهبی اقوام سنی‌نشین منطقه و شرکت دادن آنان در نبردهای خود بر سر قفقاز با ایران بوده است، به‌خصوص اینکه استفاده از کلمه «غزا» و «جهاد» (Ösmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, bölüm 1, BOA. Mühimme Defteri, nr. 32, hk. 456: s. 60) سبب می‌شد که خان‌های تاتار، با شرکت در این جنگ‌ها، قدرت و اعتبار بیشتری کسب کنند؛ در میان مردم تحت حاکمیت خود و حتی میان سایر ملل مسلمان، به عنوان «غازی» شناخته شوند که خود سبب تقویت پایه‌های مشروعیت آنها می‌گردید.

در چندین سند دیگر که از آرشیو اسناد عثمانی به دست آمده است، می‌توان به وضعیت روابط صفویان با اقوام منطقه قفقاز و نواحی دیگر پی برد. طی سندی دیگر، نیروهای تاتار به رهبری محمدگیری خان، به همراه نیروهایی که از آسیای مرکزی چون سمرقند، بخارا، روم، وان، عراق عرب و داغستان جمع شده بودند، در نبرد عثمانی با ایران شرکت می‌کنند. از روی این سند می‌توان فهمید که اهالی شروان اعلام تابعیت از سلاطین عثمانی داشته و علیه ایران وارد نبرد شده‌اند. همین مسئله، یعنی حمایت‌های اقوام مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از امپراتوری عثمانی و وجود بحران‌های سیاسی متعدد در داخل ایران، سبب گردید تا سردمداران عثمانی زمانی که صفویان خواستار انجام مذاکرات بودند، خواسته آنان را رد کنند (Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı: bölüm 2: BOA. Mühimme Defteri, nr. 47, hk. 360). حضور اقوام و ملل مختلف در لشکرکشی‌های عثمانی به ایران نشان می‌دهد که باب عالی در بهره‌برداری از انگیزه‌های دینی این اقوام موفق عمل کرده است. صدور حکم غزا و جهاد علیه صفویان شیعه‌مذهب بهترین گزینه برای جمع نمودن نیروی جنگی گروه‌های مختلف مذهبی زیر پرچم عثمانی بود؛ برنامه‌ای که در رابطه با خانات کریمه نیز به کار برده شد و حاکی از عدم پذیرش صفویان در میان اقوام همسایه این حکومت بود. بنابراین، چنان‌که اسناد آرشیوی نشان می‌دهد، زمانی که قفقاز، و به‌خصوص آذربایجان و تبریز، که همواره مورد نزاع دولت

ایران و عثمانی بود، در دورهٔ سلطان محمد خدابنده زیر فرمان حاکمیت عثمانی در آمد و قفقاز شمالی به دست مصطفی پاشا به طور کامل فتح گردید، علاوه بر کریمه، نواحی دیگری چون داغستان، تفلیس و شروان نیز درخواست کمک نیروهای عثمانی را قبول کرده و در نبرد علیه ایران شرکت کردند (Ösmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, bölüm 1: bkz. belge, nr.1: s. 34) و در قدرت‌نمایی و نفوذ پایدار عثمانی در قفقاز نقش مهمی داشتند.

۶-۲ سیاست تطمیع مادی

در تحلیل علل پذیرش فرمان عثمانی از سوی «محمدگیری» خان و حمایت از عثمانی پژوهشگران و منابع تاریخی ایران به انگیزه‌های مادی بیشتر توجه کرده‌اند. بی‌شک نمی‌توان این مسئله را نادیده گرفت. با مطالعهٔ سندی که به تاریخ ۲۴ محرم ۹۸۹ق / ۲۸ فوریه ۱۵۸۱م از سوی سلطان عثمانی به وزیر عثمان پاشا صادر شده، می‌توان گفت که سلاطین عثمانی در حفظ بازوی قدرت خود، علاوه بر استفاده تحریک احساسات مذهبی آنان، از حربه مادی استفاده فراوانی برده‌اند. به گزارش این سند، سلطان عثمانی از شکست سلمان خان، فرمانده ملاحده (قزلباشیه)، به دست «نیروهای تاتار» یعنی کریمه، به فرماندهی برادر محمدگیری خان (یعنی عادل‌گیری خان)، در ماجرای حمله به شروان، ابراز رضایت کرده و، به پاس محافظت نیروهای تاتار از شروان، ۵۰ هزار آقچه به منظور تشویق خان کریمه مقرر کرده و خوشنودی خود را از زخمی شدن سلمان خان و گوشمالی دادن سپاه قزلباشیه اعلام نموده است (Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı: bölüm 2: BOA. Mühimme Defteri, nr.42, hk. 644).

بی‌گمان، صرف نظر از انگیزهٔ دینی و داعیهٔ رهبری جهان اسلام، بهره‌برداری از ثروت قفقاز در علت لشکرکشی‌های عثمانی به این سرزمین دخیل بوده است. برای نمونه، بر اساس سندی مربوط به ۲۰ رجب ۹۸۹ق / ۲۰ آگوست ۱۵۹۱م می‌توان دریافت که دولت عثمانی، پس از تسخیر شروان، بلافاصله بهره‌برداری از معادن نقرهٔ شروان را آغاز نموده و سلطان عثمانی، به منظور حفظ امنیت معدنچی‌های رومی که به شروان فرستاد، به خانات تاتار و سایر خوانین مسیر حرکت معدنچیان، دستور محافظت آنان را صادر کرده است. در این نامه، سلطان عثمانی با مخاطب قرار دادن نیروهای منطقه‌ای خود، چون پاشاها و خان‌ها، در کشف

و بهره‌برداری از معادن طلا، مس و آهن منطقه تأکید فراوان کرده است (Osmanlı Arşivi Daire).
(Başkanlığı: bolüm2: BOA. Mühimme Defteri, nr.42, hk.382-383).

شروان، در رقابت‌های ایران و عثمانی، جایگاه مهمی برای دولت عثمانی داشت و، از زمان فتح آن، همواره مورد توجه و محافظت بود. این مسئله در جای‌جای اسناد باقی‌مانده از این دوران به‌خوبی نمایان است. مسئله حفاظت از شروان امری مهم بوده است و عثمان پاشا و سایر فرماندهان عثمانی برای انجام این امر خطیر همواره از نیروی تاتارها بهره‌برده و هزینه‌های گزافی برای آن پرداخته‌اند. در یکی از نامه‌ها، عثمان پاشا درخواست کمک و ارسال نیرو از باب عالی را داشته است و، بر اساس این اعلام نیاز، سلطان طی حکمی به خان کفه فرمان جمع‌آوری سواره نظام مورد نیاز را صادر می‌کند (Ibid, nr. 42, hk.190). این سند که متعلق به ۱۹ جمادی‌الاول ۹۸۹ق / ۲۱ ژوئن ۱۵۸۱م است، در کنار سند دیگری به تاریخ ۸ رمضان ۹۹۱ق / ۲۵ سپتامبر ۱۵۸۳م، نشان می‌دهد که ایران، به رغم آشوب‌های داخلی و ضعف نظامی و سیاسی، همواره برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی تلاش کرده است و نیروهای تاتار نه‌تنها نقش محافظتی از مناطق اشغالی به نفع عثمانی را داشتند، بلکه گاهی در کنار تأمین نیرو، از نظر تأمین هزینه‌های سپاه نیز نقش‌آفرینی کرده‌اند.

به گزارش این سند، خانات تاتار موظف بودند که کدخدا فرهاد، مأمور تأمین هزینه و علوفه سپاه عثمانی، را یاری کنند (Ibid, nr. 51, hk. 11). در تحلیل علل پذیرش فرمان عثمانی از سوی محمدگیری خان، اولین خان کریمه که به حمایت از عثمانی در برابر ایران در جبهه قفقاز پرداخت، پژوهشگران و منابع تاریخی ایران به انگیزه‌های مادی بیشتر توجه کرده‌اند. بی‌شک نمی‌توان این مسئله را نادیده گرفت، چرا که شروان از لحاظ ثروت و مکنات شهره روزگار بود (نوائی: ۱۶۰) و شرکت در این لشکرکشی‌ها برای خانات کریمه منافع مادی بسیاری داشت. در دفاتر عثمانی به نمونه‌های فراوانی می‌توان دست یافت که در آنها عثمانی‌ها و مجریان برنامه آنها چون خانات کریمه، مسرانه به پیگیری منافع مادی خود تأکید کرده‌اند (Ibid, nr. 56, hk. 326 & nr. 61, hk. 49).

در سندی دیگر مرتبط به اسناد روابط خانات کریمه با عثمانی، مشخص می‌شود که تاتارهای کریمه نه تنها در شروان و قفقاز بلکه در میادین نبرد عثمانی با قدرت‌های دیگر در اروپا و روسیه، به نیروهای ترک یاری رسانده‌اند. این نامه که، در اواخر شوال ۱۱۴۵ ق/اوایل آوریل ۱۷۳۳م از سوی سلطان عثمانی به خوانین کریمه چون فاتح گیرای خان، اسلام‌گیرای خان و بخت‌گیرای خان فرستاده شده، ضمن تشکر از فرماندهی نیروهای تاتار در جنگ با ایران و تشویق آنان برای غارت و تاخت و تاز بر سرزمین ملاحده و کفار یعنی ایران، مأموریت دیگری در جهت اروپا به آنان واگذار کرده است. بنابراین، می‌توان گفت که، علاوه بر ارسال هدایا، صدور اجازه و تشویق به غارت و تاراج نواحی ایران از دیگر امتیازات مادی بود که خانات کریمه از آن بهره‌مند می‌شدند. نکته مهم در این رابطه، تاریخ این سند است که مربوط به قرن ۱۸م و دوران افشاریه است. این نشان می‌دهد که نیروهای تاتار کریمه نه تنها در دوران صفویه، بلکه طی ادوار طولانی، به رغم همه کشمکش‌های سیاسی داخلی که با سلاطین عثمانی داشته‌اند، همچنان هم‌پیمان دولت عثمانی در برابر حاکمیت‌های ایرانی باقی ماندند (Başbakanlık Devlet Arşivleri: C. hr, 5346: s. 135; C. MTZ, 325).

۳-۶ سیاست تهدید

چنان که در صفحات پیشین اشاره شد، کریمه از توابع امپراتوری عثمانی بود و خوانین آن از باب عالی اطاعت می‌کردند البته این به معنای اطاعت محض نبود، زیرا زمانی که سیاست‌های عثمانی در تضاد با منافع این خوانین قرار می‌گرفت، سر به شورش و عصیان می‌گذاشتند. سلاطین عثمانی همواره با واگذاری امتیازات مادی و حمایت‌های سیاسی و نظامی سعی داشتند که قدرت این خان‌نشین را با منافع خود همسو نگه دارند، اما در مواقع ضروری، با استفاده از تابعیت خانات کریمه از عثمانی، از سیاست تذکر و تهدید نظامی و سیاسی نیز سود می‌جستند. در نامه‌هایی که بین سلاطین عثمانی با خان‌های کریمه رد و بدل شده، بارها به این مسئله اشاره شده است؛ به طوری که گاهی لحن این اسناد هشداردهنده و

تهدیدآمیز می‌شود (Başbakanlık Devlet Arşivleri: A.DVNS. MHM.d, 2/12/12: s31). بر همین اساس، می‌توان گفت که خان‌های کریمه به‌خصوص زمانی که در مقابله با عثمانی از قدرت چندانی برخوردار نبودند، مجبور به اطاعت از فرامین این سلاطین می‌شدند؛ و همین مسئله در اجرای سیاست‌های عثمانی در قفقاز و علیه ایران بی‌تأثیر نبود.

۶-۴ سیاست استفاده از مسائل داخلی خانات کریمه

مصطفی پاشا، نماینده سلطان مراد سوم، در نخستین حمله به ایران، توانست با کمک نیروهای تاتار، در سال ۹۸۶ق، با شکست دادن نیروهای ایران در قلعه چلدیر یا شیطان‌قلعه به آسانی تغلیس و گوری، پایتخت شاهان گرجی و شروان را تصرف کند. برای لشکر تاتار در این لشکرکشی اتفاق مهمی افتاد و آن اسارت فرمانده آنها، عادل‌گیرای خان، بود که در شروان در مقابله با میرزا سلمان خان شکست خورد و اسیر شد (حسینی قمی: ۶۸۴/۲). همین مسئله می‌توانست روابط خان‌نشین کریمه و ایران را وارد مرحله جدیدی کند. ایران که تا آن زمان نتوانسته بود گامی مهم در ایجاد گرایش‌های سیاسی به سوی کریمه بردارد، از این پس می‌توانست این امتیاز مهم را به دست آورد؛ اما متأسفانه رقابت‌های درباری ایران بین قزلباش‌ها و نیروهای طرفدار ملکه مهد علیا در زمان سلطان محمدخدا بنده، سبب گردید تا دربار ایران نه تنها در ایجاد روابط حسنه با خان کریمه قدمی برندارد، بلکه در نزدیکی این خان‌نشین به عثمانی تأثیرگذار باشد.

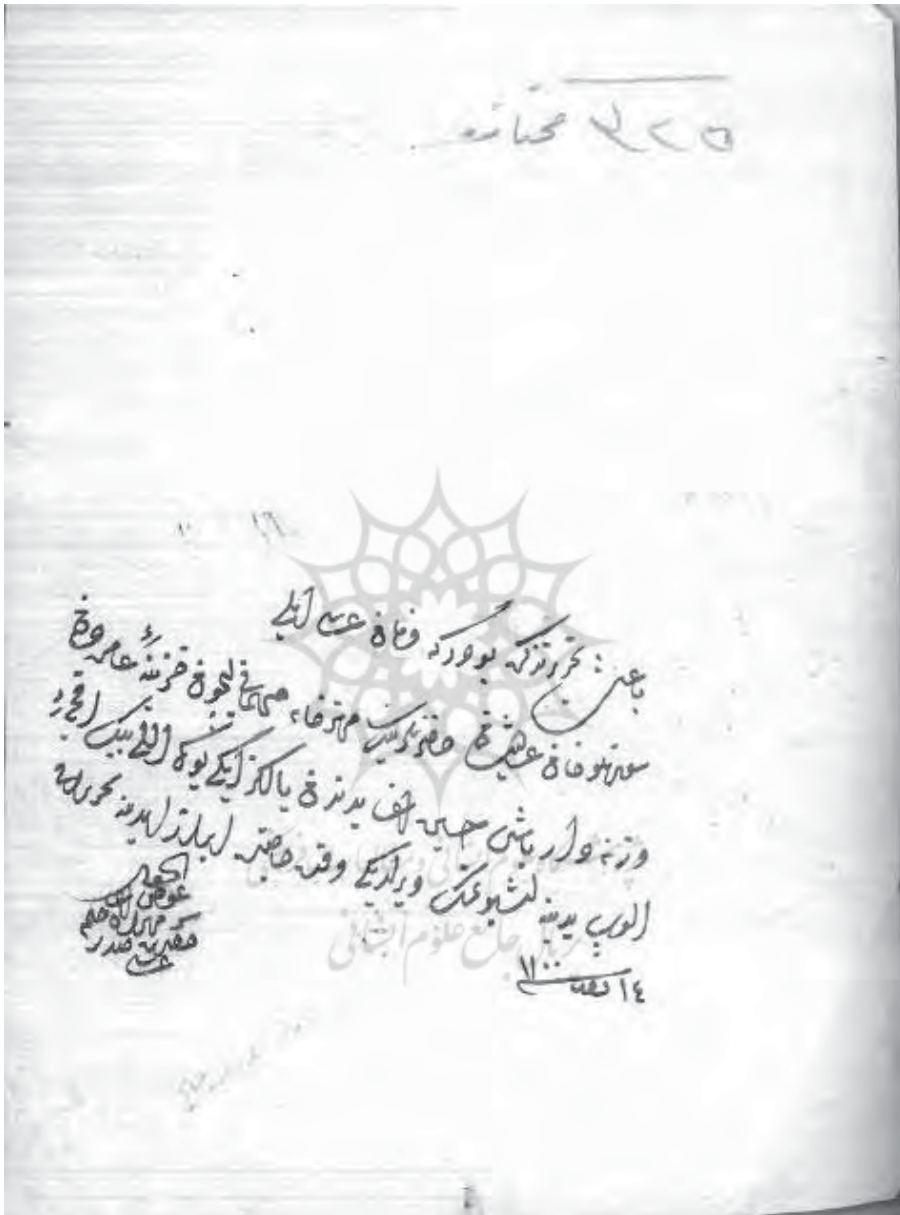
پس از تسخیر شماخی از سوی ایران و فرار عثمان پاشا حاکم آنجا، مهد علیا در صدد تعقیب دشمن بود و سعی داشت پس از حضور در قراباغ، به همراه عادل‌گیرای خان، توجه محمدگیرای خان را جلب نماید و جهت آزادی عادل‌گیرای خان وارد مذاکرات سیاسی با وی شود؛ اما امرای قزلباش مخالف این مسئله بودند. به نظر می‌رسد که مهد علیا، با در پیش گرفتن سیاست خوش‌رفتاری با عادل‌گیرای خان (اسکندریبگ منشی ترکمان: ۲۳۸/۱)، تلاش داشت، با جلب نظر خان کریمه، قدرتی را که عثمانی از طریق هم‌پیمانی با خان تاتار به

دست آورده بود از سلطان عثمانی پس گیرد. از سوی دیگر، محمدگیریای خان با فرستادن هدایا، به همراه مادرش، به سوی دربار ایران (آق‌ق‌دسی: ۱۳۱) نشان داد که خواهان مذاکره با ایران است. ولی این امر مهم تحقق نیافت، چرا که مخالفت امرای قزلباش با مهد علیا به کشته شدن ملکه و عادل گیریای خان منجر شد (حسینی قمی: ۲/ ۶۹۶-۶۹۸؛ واله قزوینی: ۵۷۰-۵۷۲) و همین امر سبب شد که، در کنار انگیزه‌های دینی و مادی خان تاتار، مسئله خون‌خواهی از ایران نیز بدان اضافه و شکاف بین کریمه و ایران عمیق‌تر شود. در کنار این عوامل، واقعه قتل عادل گیریای خان، در سوق دادن هرچه بیشتر کریمه به سمت عثمانی تأثیر گذاشت و عثمانی‌ها از این مسئله استفاده فراوانی بردند.

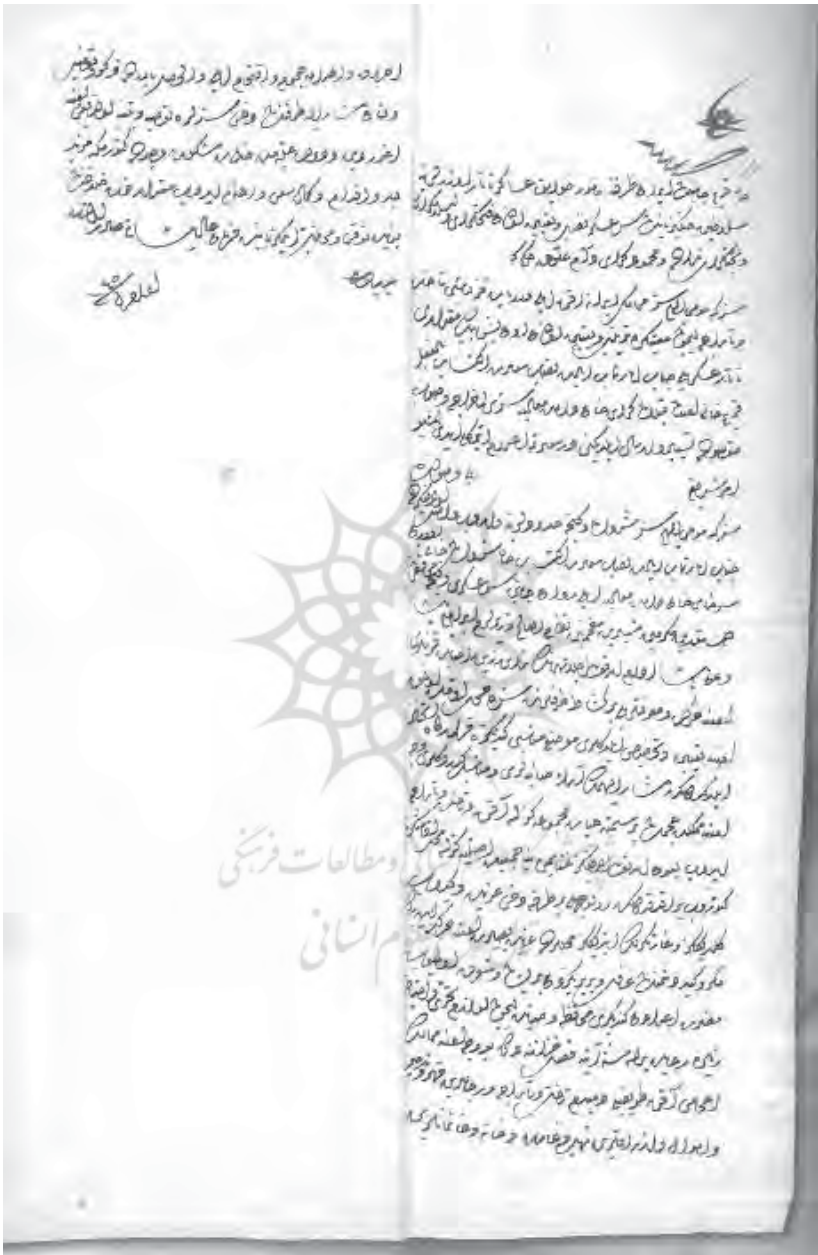
بدین ترتیب، اختلافات داخلی خان‌های کریمه و رقابت‌های خاندانی که بر سر کسب قدرت (Başbakanlık Devlet Arşivleri: C. hr, 1755; C. HR, 3378: s126&133)، در کنار خون‌خواهی، دستاویز دیگری بود که باب عالی توانست با استفاده از آن، در امور داخلی خان‌نشین دخالت کند و، با حمایت خان‌هایی که در راستای اهداف امپراتوری حرکت می‌کردند، موازنه قدرت در خان‌نشین کریمه را به نفع خود خاتمه دهد؛ زیرا در صورت روی کار آمدن خان‌های تحت حمایت عثمانی، قدرت نظامی و تأثیرگذار این خان‌نشین در منطقه بیشتر از هر زمانی در اختیار امپراتوری قرار می‌گرفت. در واقع خان‌نشین کریمه، در طول حیات تاریخی خود، با گرفتاری در رقابت‌ها و کشمکش‌های درونی میان رؤسای قبایل بر سر کسب قدرت، در برابر نفوذ روسیه، عثمانی و سایر رقبای خود چون چنوا، از مواضع قدرتمندی برخوردار نبود (İnalçık 3: 199-217; Öztürk: 485-489; Ürekli: 15). چنان‌که اشاره شد، عثمانی‌ها این مسئله را همواره به عنوان برگ برنده در دست داشتند. با توجه به تابعیت کریمه از امپراتوری عثمانی، سران باب عالی، از طریق حفظ امنیت کریمه در برابر قدرت‌هایی چون روسیه و چنوا و دخالت در کشمکش‌های داخلی، وابستگی خان‌های کریمه به دولت مرکزی امپراتوری را افزایش می‌دادند و این خود عاملی برای بهره‌برداری از نیروی جنگاوری کریمه در جبهه‌های جنگ عثمانی به‌خصوص در برابر ایران بود.

۷ نتیجه

مطالعه اسناد به‌دست‌آمده از دفاتر مهمه آرشیو عثمانی نشان می‌دهد که امپراتوری عثمانی در برخورد با نیروی شیعه صفویه، که ایدئولوژی آن مغایر با ادعای خلافت سلاطین عثمانی بر جهان اسلام بود، همچنین براساس سیاست توسعه‌طلبانه خویش، سعی در ایجاد پایه‌های نفوذ قدرتمند در سرزمین‌های حوزه قفقاز داشت و این امر، به‌خصوص در زمان ضعف دربار ایران چون عصر سلطان محمد خدابنده، تشدید شد. باب عالی، برای رسیدن به این مقصود، سعی کرد اقوام مناطق مختلف قفقاز به‌خصوص اقوام سنتی مذهب راه، با منافع خود همسو کند و، بدین ترتیب، شروان و داغستان و، بیش از همه، خانات کریمه به عنوان بازماندگان اردوی زرین و دولت حائل بین روسیه و عثمانی مورد توجه قرار گرفت؛ زیرا این خان‌نشین، با قدرت نظامی و موقعیت استراتژیک خود، می‌توانست نقش ارزنده‌ای در تحولات منطقه به نفع سیاست‌های عثمانی ایفا کند. در همین راستا، سلاطین و سیاستمداران عثمانی، با استفاده از روحیه مرکز‌گریزی ملل قفقازی، تضادهای دینی و چالش‌های مذهبی که با دولت شیعه‌مذهب مرکزی ایران داشتند، از طریق صدور حکم جهاد و غزا، به جنگ‌های خود با ایران رنگ مذهبی داد. همچنین باب عالی توانست، با به کارگیری سیاست‌های انگیزشی چون تطمیع مادی، تهدید و استفاده از تحولات داخلی خان‌نشین کریمه، در کنار انگیزه‌های مذهبی، به شکل موفقیت‌آمیزی از قدرت نیروهای منطقه‌ای مخالف ایران استفاده کند؛ به طوری که خانات کریمه را باید حافظ و پیش‌برنده منافع سیاسی، نظامی و اقتصادی امپراتوری عثمانی در قفقاز بدانیم. هم‌پیمانی با عثمانی منافع مادی و معنوی قابل توجهی را برای آنها به بار آورد و سبب تثبیت حضور عثمانی در قفقاز گردید. به عبارت دیگر، حمایت نیروهای منطقه‌ای چون خانات کریمه از عثمانی بیش از قدرت نظامی سلاطین عثمانی در حضور پایدار آنها در قفقاز تأثیر گذاشت؛ امری که دفاتر مهمه، به عنوان یکی از ارزشمندترین اسناد و منابع تاریخی ایران، به‌خوبی آن را نشان می‌دهند. در پایان، نمونه‌هایی از تصاویر اسناد و فرامین به‌دست‌آمده از آرشیو عثمانی که مربوط به روابط سلاطین عثمانی با خانات کریمه در رابطه با ایران و حاکمیت صفویان می‌باشد، افزوده شده است.



دفتر مهمه کریمه، سند شماره C.MTZ, 325



دفاتر مهمه کریمه، سند شماره C.HR.5346



منابع

- آفاق‌دسی، عباسقلی، گلستان ارم، وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۸۲.
- اسکندریبگ منشی ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، به اهتمام ایرج افشار، امیرکبیر، تهران ۱۳۸۷.
- اوزون چارشلی، اسماعیل حقی، تاریخ عثمانی، ج ۲، ترجمه ایرج نوبخت، کیهان، تهران ۱۳۶۹.
- برجیان، حبیب، «ترکیب قومی قفقاز»، ایران‌شناخت، ش ۱۰، پاییز ۱۳۷۷، ص ۲۰۶-۲۴۱.
- بیانی، شیرین، مغولان و حکومت ایلخانان در ایران، سمت، تهران ۱۳۸۶.
- جنابدی، میرزابیگ، روضه‌الصفویه، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۳۷۸.
- الحسینی‌القمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین‌الحسین، خلاصة التواریخ، ج ۲، به تصحیح احسان اشراقی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، تهران ۱۳۸۳.
- زرینی، حسین، «خانات کریمه؛ هم‌پیمانان عثمانی در تصرف قفقاز (۹۹۵-۹۸۶ هـ.ق)»، تاریخ ایران، ش ۷۰/۵، تابستان و پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۰۳-۱۱۹.
- فخری، حجت، «دفاتر مهمه عثمانی و اهمیت آنها در شناخت تاریخ ایران»، مطالعات آسیای صغیر، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۸۳-۲۱۰.
- شانینوف، بریان، تاریخ روسیه از آغاز تا انقلاب اکتبر، ترجمه خانابا بیانی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۸۶.
- موسوی، میرصمد و فرهاد دشتکی‌نیا، «اسناد بایگانی‌های ترکیه درباره ایران»، اسناد بهارستان، س ۱، ش ۲، تابستان ۱۳۹۰، ص ۳۲۲-۳۲۵.
- نوائی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری‌فرد، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، سمت، تهران ۱۳۹۱.
- واله قزوینی اصفهانی، محمدیوسف، خلد برین، به تصحیح میرهاشم محدث، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۳۷۲.
- وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر، تاریخ جهان‌آرای عباسی، به تصحیح سیدسعید میرمحمد صادق، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۸۳.

- Başbakanlık Osmanlı Arşivi Rehberi, *T.C. Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı*, İstanbul 2000.
- Çakmak, Mehmet Ali, *XVIII. Yüzyılda Kafkasyalı Osmanlı*, Ankara 1999.
- Çetin, Atila, "Osmanlı Devlet Arşivi'nin Kuruluşu ve Tasnif Çalışmaları", *Türk Dünyası Araştırmaları* 21, 1982, s. 96-126.
- Güneş Yağcı, Zübeyde, "XVIII. Yüzyılda Osmanlı Devleti'nin Doğu Karadeniz Politikası", *Türkler*, C.12, Yeni Türkiye Yayınları, Ankara 2002, s. 554-563.
- Hülagu, Metin, "Kırım Hanlığının Kuruluşu ve Türk-Rus İlişkilerindeki Yeri (1441-1783)", *Uluşlararası Türkoloji Sempozyumu*, Tika (Türk işbirliği ve Kalkınma İdaresi Başkanlığı), 31 Mayıs- 4 Haziran 2004, s.1-39.
- İnalçık, Halil, "Kırım", *İslam Ansiklopedisi*, MEB Yayınları, Eskişehir 1997, c. 6, s. 746-756 .
- _____(2), "Struggle for East-European Empire:1400-1700 – the Crimean Khanate, Ottomans and the Rise of the Russian Empire", *The Turkish Yearbook*, 21, 1991, pp.1-16.
- _____(3), "Yeni Vesikalara Göre Kırım Hanlığının Osmanlı Tâbiligine Girmesi ve Ahidname Meselesi", *Bellekten*, Ankara 1944, c. 8, sy. 30.
- İslam Ansiklopediası*, c2, Beşinci Baskı, Mili Eytim Basimevi, İstanbul 1979.
- Kiliç, Remzi, "XVI. Ve XVII. Yüzyıllarda Osmanlı-Iran Siyasi Antlaşmalar", İstanbul 2001, s. 235-237.
- Özğüdenli, Osman G. "Osmanlı İrani 1: Batı İran ve Azerbaycan Tarihi Hakkında Osmanlı Tahrir Kayıtları: Coğrafi ve idari Taksimat", *Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Araştırmaları Dergisi* 22/ 34, 2003, s. 83-107.
- Öztürk, Yücel, "Kırım Hanlığı", *Türkler* 8, Ankara 2002.
- Şüayib, Izgi, 986 (1578) *Tarihli 32 Nümaralı Mühimme Defteri*, s. 201-400 *Transkripsiyonu ve Değerlendirilmesi*, Yüksek Lisans Tezi, Marmara Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü, İstanbul 2006.
- Takamatsu, Yoichi, "Formation and Custody of the Ottoman Archives During the Pre-Tanzimat Period", *Memoirs of the Research Department of the Toyo Bunko* 64, 2006, s.48-125.
- Ürekli, Müzaffer, *Kırım Hanlığı'nın Kuruluşu ve Osmanlı Himayesinde Yükselisi (1441-1569)*, Ankara 1989.
- Üzünçarşılı, İsmail Hakki, *Osman Devleti'nin Merkez ve Bahriye Teşkilati*, Türk Tarih Kürümü Yayınları, İstanbul 1998.

اسناد آرشیو عثمانی

Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü Yönetmeni: Osmanlı belgelerinde,
Kırım Hanlığı, Prof. Uğur Unal, İstanbul 2013:
- A. DNS. MHM. d, 151/26/65.

- A. DVNS. MHM. d, 2/12/12.
- A. DVNS. MHM. d, 61/12/41.
- C. MTZ, 325.
- C. hr, 6558, n.89.
- C. hr, 1755, n.33.
- C. HR, 5346.
- C. HR, 1755.
- C. HR, 3378.

Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, *Azerbaycan Türk Hanliklari Arasindaki Munasebetlerde Dair Arşiv Belğeleri*, bölüm 1, Ankara 1992:

- BOA. Muhimme Defteri, nr.32, hk 456.
- bkz. belge, nr. 1.

Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, *Azerbaycan Türk Hanliklari Arasindaki Munasebetlerde Dair Arşiv Belğeleri*, bölüm 2, Ankara 1993:

- BOA. Muhimme Defteri, nr. 47, hk. 360.
- BOA. Muhimme Defteri, nr. 42, hk. 644.
- BOA. Muhimme, nr. 42, hk. 382-383.
- BOA. Muhimme Defteri, nr.42, hk. 190.
- BOA. Muhimme Defteri, nr.51, hk. 11.
- BOA. Muhimme Defteri, nr.56, hk. 326.
- BOA. Muhimme Defteri, nr.61, hk. 49.